

مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان)

سجاد اوجاقلو^۱

حسن سرایی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۱

چکیده

فرزند و فرزندآوری از مهم‌ترین ارزش‌های خانواده در ایران است. نسل‌های مختلف زنان در ایران، براساس تجارب و حوادث تاریخی و تجربه زندگی مشترک، نگرش و برداشت متفاوت و گاه متضاد از معنا و مفهوم فرزند دارند. با تکیه بر دو دسته از نظریه‌های غربی شامل تغییرات فرهنگی، گذار جمعیتی دوم، تضاد نسلی و ساختاری و نظریه‌های جوامع پیرامون مانند نظریه جهان-محلی شدن، الگوی پژوهش ساخته شد.

روش پژوهش، پیمایشی است. جمعیت آماری، پنج نسل از زنان شهر زنجان با توجه به شرایط تاریخی انتخاب شده‌اند: متولدین قبل از سال ۴۲، متولدین سال‌های ۵۷-۱۳۴۲، متولدین سال‌های ۶۷-۱۳۵۸، متولدین سال‌های ۷۰-۱۳۶۷ و متولدین سال‌های ۷۴-۱۳۷۰. از هر نسل ۱۰۰ نفر و در مجموع ۵۰۰ نفر حجم نمونه این پژوهش را تشکیل داده‌اند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای به شیوه PPS است.

براساس یافته‌های پژوهش، تفاوت میانگین ارزش بین نسل‌های بررسی شده به لحاظ آماری معنادار است؛ پایین‌ترین سطح ارزش فرزند متعلق به نسل زنان متولد سال‌های ۷۴-۱۳۷۱ و بالاترین سطح مربوط به نسل زنان متولد سال‌های قبل از ۴۲ است. فردگرایی با ارزش فرزند ارتباط منفی و دینداری با ارزش فرزند ارتباط مثبت دارد. تأثیر تجربه جهانی شدن بر ارزش فرزند، در نسل متولدین ۶۷-۱۳۵۸ شدیدتر از سایر نسل‌ها است.

واژه‌های کلیدی: ارزش فرزند، ارزش‌های خانواده، تغییرات خانواده، شهر زنجان،

فرزندآوری.

۱. دکتر جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسؤل)،

sajjadojaghlo@yahoo.com

۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، hsaraie@yahoo.com

مقدمه

با گسترش فرآیندهای مدرنیته و نوگرایی در دهه‌های اخیر در ایران، بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد تغییرات و دگرگونی‌های اساسی کرده است. در این میان الگوهای خانوادگی و ارزش‌های خانواده بیش از هر نهاد و ساختاری دچار تغییر و دگرگونی شده است. با وجود مقاومت ارزش‌های خانوادگی در مقابل مدرنیته و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، سست شده‌اند و به تدریج به نفع هنجارهای تازه کنار گذاشته می‌شوند. امروزه با شدتی کمتر از گذشته ارزش‌هایی همچون مهمان‌نوازی، ادب، احترام به بزرگ‌ترها، ارج نهادن به مردان، اهمیت باروری و فرزندآوری همچنان مهم و باارزش هستند (بهنام، ۱۳۸۴: ۷-۱۹۶).

در نتیجه خانواده ایرانی، برخی از تغییرات جهانی خانواده را همراهی و تجربه کرده است. یکی از این تغییرات، تغییر ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری است. با وجود کمتر شدن ارزش فرزند در خانواده‌ها و تمایل به فرزند کمتر، همچنان فرزند در خانواده‌های ایرانی یک ارزش است. بنابراین متأثر از عوامل بیرونی و درونی، تمایل به فرزندآوری و داشتن فرزندان بیشتر نزد خانواده‌های ایرانی بسیار ضعیف شده است؛ به گونه‌ای که «باروری و فرزندآوری در ایران به زیر سطح جانشینی رسیده است» (سرایبی، ۱۳۸۵: ۵۷).

خانواده در ایران - جامعه پیرامونی و تأثیرپذیر - به لحاظ ساختاری و کارکردی دستخوش تغییر شده است. «این تغییر ناشی از تغییر نظام اجتماعی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و در پی آن تضعیف خانواده گسترده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای است» (اعزازی، ۱۳۸۰: ۴۵). خانواده جدید امروز، ارزش‌های جدیدی را نیز به همراه داشت، که متفاوت از ارزش‌های خانواده گسترده و سنتی بوده است. برخی عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر ارزش‌های خانواده همچون ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری در ایران (به‌ویژه جامعه شهری زنجان) عبارتند از: وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن جنگ، روند رو به توسعه در زمینه‌های مختلف، تلاش برای همراهی با تجربه جهانی شدن از سوی برخی گروه‌های اجتماعی مانند زنان، گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، وابستگی خانواده‌ها مانند خانواده‌های طبقه متوسط شهری و درآمد داشتن با درآمدهای نفتی، اصرار بر ارزش‌های محلی، بومی و قومی و مقاومت در مقابل ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی جهانی. البته درک هر نسل از زنان ایران با توجه به تجربه مشترک زیسته و براساس تجربه‌های تاریخی، درباره فرزند و فرزندآوری متفاوت است.

با توجه به روند گسترش مدرنیته در شهر زنجان و افزایش تمایل روزافزون زنان به آموزش، اشتغال و آزادی‌های اجتماعی، خانواده‌های شهر زنجان در سال‌های اخیر، با تغییر ارزش‌های خانواده مواجه شده‌اند. هدف این پژوهش بررسی تغییر ارزش فرزند بین نسل قبل از انقلاب، نسل انقلاب و جنگ و نسل بعد از انقلاب و جنگ است. بنابراین تغییر ارزش فرزند، در پرتو تغییرات تاریخی و اجتماعی ایران و بین زنان نسل‌های متفاوت بررسی شده است. بررسی تغییرات زمانی ارزش‌های خانواده در ایران و بین پنج نسل از زنان شهر زنجان، هدف این پژوهش است. پرسش اصلی پژوهش این است که زنان نسل‌های بررسی شده با در نظر داشتن ساختار اجتماعی مذهبی و سنتی شهر زنجان، ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری را چگونه تجربه کرده و می‌کنند؟

مبانی و چارچوب نظری

بررسی ارزش‌های خانواده^۱ از جمله ارزش فرزند، بدون توجه به تغییرات دهه‌های اخیر خانواده در ایران، بی‌اعتبار و بی‌اثر است. برای تجزیه و تحلیل وضعیت خانواده در ایران باید روند تحولات اجتماعی و فرهنگی صد تا صد و پنجاه سال اخیر جامعه ایران را در نظر داشته باشیم. ارزش فرزند و تغییر آن در خانواده را با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی و دیگر شاخص‌های تشکیل‌دهنده جامعه ایران پس از انقلاب (عوامل درونی) و نیروها و عوامل جهانی (عوامل بیرونی) بررسی کردیم. براساس مرور نظریه‌ها و پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی، مشخصاً در زمینه ارزش‌های خانواده بررسی چندانی انجام نشده است. بنابراین این پژوهش می‌کوشد با در نظر داشتن نقش عوامل بومی و محلی و مقاومتی که نیروهای محلی در برابر فشار جهانی شدن^۲ می‌کنند، خانواده و تغییر ارزش فرزند در ایران و بین نسل‌های مختلف زنان را از دیدگاه ایرانی- جهانی بررسی کند.

یکی از دیدگاه‌های مهم آشکارکننده تغییرات خانواده و ارزش‌های آن نظریه گذار جمعیتی دوم^۳ است. این نظریه چارچوب مناسبی برای وضوح تضعیف ارزش‌های خانوادگی به‌ویژه ارزش فرزند ارائه می‌کند. نظریه گذار جمعیتی دوم برخلاف نام آن که نظریه‌ای جمعیت‌شناختی به‌نظر می‌رسد، تغییرات خانواده در غرب و برخی کشورهای دیگر را از دیدگاه جامعه‌شناختی

1. Family values
2. Globalization
3. Second Demographic Transition

بررسی می‌کند. برخی از این تغییرات، تحولاتی است که در زمینه نگرش نسبت به تشکیل خانواده و اهمیت نهاد خانواده، روابط اعضای خانواده با یکدیگر، ساختار قدرت در خانواده، استقلال زنان، دموکراسی عاطفی و... به وجود آمده است. «نظریه گذار جمعیتی دوم در اصل نظریه‌ای برای تبیین باروری پایین در جوامع پیشرفته و مدرن است. این نظریه، باروری پایین و دوام آن در جوامع نامبرده را بررسی می‌کند که با توجه به تغییرات اساسی دهه‌های پایانی قرن بیستم در جامعه، خانواده و شیوه فرزندآوری آن جوامع رخ داد» (سرای، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

لستهاق و ون دکا مفهوم گذار دوم جمعیتی را چارچوبی برای توضیح تغییرات مهم در شکل خانواده و کاهش باروری به کار بردند که در اروپای غربی از دهه ۱۹۶۰ دیده شد (Vandekaa, 2002: 76). ون دوکا در این خصوص بیان می‌کند که تغییرات اساسی در هنجارها، نگرش‌ها، روابط شخصی، باروری و خانواده در نقش نیروی محرک تغییرات دراماتیک در رفتار جمعیتی اروپاییان بروز کرد (Vandekaa, 1987: 45).

اولین نشانه‌های گذار دوم جمعیتی در سال ۱۹۵۰ ظاهر شد. آمار طلاق مخصوصاً در آمریکا و کشورهای اسکاندیناوی افزایش یافت. باروری از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ شروع به کاهش کرد و الگوی سن ازدواج نیز تغییر کرد، همچنین تعداد افراد مجرد و هم‌خانگی‌های پیش از ازدواج افزایش یافت (Lestaeghe, 2006:3).

نظریه انتقال اول جمعیت تغییرات مولید و مرگ‌ومیر را به موازات گذار از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سستی پیش از دوره مدرن، به یک جامعه مدرن صنعتی و شهری توصیف می‌کند؛ سپس این موضوع انقلاب جمعیتی نام گرفت. «از دیدگاه پدیده‌شناسی، گذار جمعیتی اول را باید نتیجه تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانست که بر اثر تغییرات مرگ‌ومیر و باروری و در نتیجه تأثیر بر رشد طبیعی جمعیت منعکس می‌شود و از سوی دیگر خود منشأ آثار و نتایج اقتصادی و اجتماعی است. گذار جمعیتی اول پس از بررسی تغییرات جمعیتی در کشورهای پیشرفته امروزی شکل گرفت. این نظریه شرحی بر گذار از میزان تولد و مرگ‌ومیر زیاد به تولد و مرگ‌ومیر کم است» (ویکس، ۱۳۸۵: ۱۱۲). «از نظریه گذار جمعیتی اول چنین برمی‌آید که پس از عبور از دوران گذار، باروری و مرگ‌ومیر در سطح پایینی متعادل می‌شود و در نهایت جمعیت به سوی ایستایی پیش می‌رود؛ یعنی حجم جمعیت و ترکیب سنی جمعیت متناسب می‌شود. با وجود این، در کشورهایی که دوران گذار را پیموده‌اند نه تنها چنین تعادل بادوامی بین باروری و مرگ‌ومیر مشاهده نمی‌شود، بلکه باروری به جای توقف در سطح جانشینی، کمتر از

سطح جانشینی می‌شود و در این سطح باقی می‌ماند. در واقع، با عبور از نامتعادلی دوران گذار و ورود به دوران پس از گذار، به جای تحقق تعادل پیش‌بینی‌شده نظریه گذار جمعیتی (اول)، نامتعادلی نسبتاً بادوامی مغایر با نامتعادلی دوران گذار تجربه می‌شود. نامتعادلی دوران گذار در گذار جمعیتی اول، به سود باروری است» (سرای، ۱۳۸۷: ۱۱۹). اما در گذار جمعیتی دوم با توجه به تغییر نگرش نسبت به خانواده و ازدواج، سطح باروری پایین‌تر از سطح مرگ‌ومیر و کمتر از سطح جانشینی است. بنابراین رشد جمعیت درازمدت منفی می‌شود و جمعیت بالقوه کاهش خواهد یافت.

بنابراین «گذار جمعیتی دوم به تغییرات زناشویی و تشکیل خانواده اشاره دارد. این تغییرات شامل کاهش میل به تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش تشکیل زندگی بدون ازدواج، کاهش عمومی در باروری، افزایش فرزندآوری خارج از ازدواج، افزایش طلاق، تأخیر در ازدواج و فرزندآوری است» (هویم و دورا، ۲۰۰۸: ۳). بسیاری از متغیرهای جمعیتی از جمله فرزند، از سه عامل سن (تأثیر ناشی از تعلق به گروه سنی خاص)، دوره (تجارب تاریخی که هم‌زمان بر همه گروه‌های سنی تأثیر می‌گذارند) و نسل (تأثیرپذیری متفاوت گروه‌های سنی مختلف از تجارب تاریخی) تأثیرات هم‌زمان می‌گیرند (یانگ، ۲۰۰۶: ۷۴-۳۹).

علاوه بر نظریه گذار جمعیتی دوم، نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت، تضاد ساختی بوردیو و نظریه جهان محلی شدن رابرتسون نیز در تبیین تغییرات ارزش فرزند مهم و بحث‌برانگیز است. براساس نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت، توسعه اقتصادی و گسترش رسانه‌های جمعی در سال‌های اخیر، تغییراتی را در اولویت ارزشی افراد و گروه‌ها به وجود آورده است. دیدگاه او چگونگی تأثیر توسعه اقتصادی و رشد تکنولوژیک و ارضای نیازهای اساسی در جامعه بر ظهور نیازهای پسمادی مانند عزت‌نفس، خودشکوفایی و دستیابی به منزلت اجتماعی بین جوانان و نسل جدید را مشخص می‌کند. «فرضیه کمپابی و اجتماعی شدن بر این دلالت دارند که در نتیجه رونق اقتصادی که از سال ۱۹۴۵ در کشورهای غربی به وجود آمد، نسل جوانان، اهمیت کمتری بر امنیت اقتصادی و جانی قائل هستند نسبت به گروه‌های مسن‌تری که بسیار بیش از آنها ناامنی اقتصادی را تجربه کرده‌اند. این مسئله نیز با اهمیت است که نسل جوان برخلاف افراد مسن‌تر، بیشتر برای نیازهای غیرمادی مانند کیفیت زندگی اولویت قائل هستند. از

دیدگاه اینگلهارت، فرضیه کمپابی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت و فرضیه اجتماعی‌شدن بر آثار بلندمدت نسلی اشاره دارد. این دو فرضیه با هم مجموعه یکپارچه‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند» (اینگلهارت و آبراهامسون، ۱۳۷۸: ۸۵).

نتیجه این وضعیت، تمایز دیدگاه نسل‌های مختلف تاریخی درخصوص ارزش‌گذاری بر فرزند است. برای نمونه نسل متولدین دوره انقلاب و جنگ، با توجه به تجارب تاریخی آن زمان و تغییر ساختارهای اقتصادی، دیدگاهشان به فرزند و اهمیت آن در زندگی، متفاوت از نسل‌های پس از جنگ و انقلاب است. همچنین نسل متولدین سال‌های قبل از انقلاب، نگرش‌شان نسبت به ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری متفاوت از نسل‌های پس از انقلاب است. نسل‌های پس از انقلاب و جنگ در ایران، بیشتر خواهان کیفیت زندگی و گریزان از برخی ارزش‌های خانواده همچون فرزند و فرزندآوری هستند؛ با نزدیک شدن به دوره‌های اخیر، شدت تأثیر جهانی‌شدن بیشتر شده و فرزند و فرزندآوری معنای سنتی و قدیمی خود را از دست داده است در نتیجه معنای جدیدی بین این نسل‌ها پیدا می‌کند.

دیدگاه بوردیو^۱ در تحلیل تغییر ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری در ایران از آن رو مهم و جدی است که به عقیده بوردیو، خانواده مهمترین مکان انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی است (بوردیو، ۱۹۸۶: ۳۳). با برداشت از دیدگاه بوردیو، تغییر ارزش‌های خانواده و فرزند در ایران، از رقابت بر سر دستیابی به انواع سرمایه در زمینه‌های مختلف اجتماعی ناشی می‌شود. بر این اساس در جامعه ایران، شاید بتوان گفت که در یک دهه اخیر، زنان بیشتر از سایر گروه‌ها، منشأ تغییر ارزش‌های خانواده و فرزند بوده‌اند. اشتغال زنان نقش‌های ثابت سنتی «مرد نان‌آور» و «زن خانه‌دار» را دگرگون کرده است و گونه‌ای کسب سرمایه اجتماعی و فرهنگی در زندگی برای آنان به‌شمار می‌رود و زنان هویت جدیدی یافتند که این هویت جدید نه تنها سلسله مراتب قدرت در خانواده را برهم زده، بلکه باعث شکل‌گیری ارزش‌های متفاوت و جدید نیز شده است. در دهه اخیر، گرایش زنان به آموزش در سطوح عالی و به تبع آن تصاحب فرصت‌های شغلی، باعث تغییر ارزشی و نگرشی آنان نسبت به موضوع‌هایی همچون فرزند شده است. سن ازدواج زنان در ایران بر اثر اشتغال و تحصیل تا اندازه‌ای بالا رفته است؛ افزایش سن ازدواج زنان همراه با برخی عوامل دیگر از جمله برهم خوردن تعادل جنسیتی، به مسئله «دشواری

1. Bourdieu

ازدواج» منجر شده است. پیامد دیگر افزایش سن ازدواج زنان، فرصت محدود فرزندآوری است. بخشی از دگرگونی فرهنگی ایران محصول تغییر نگرش بوده است. این تغییر نگرش میان زنان و دختران بیشتر بوده و باعث شده تا با پافشاری بر برخی زمینه‌هایی که امکان حضور و مشارکت بیشتری دارند، به خواسته خود جامه عمل بپوشانند (ایمان و سروش، ۱۳۹۲: ۵۱۰).

یکی از مسائلی که زنان بر آن اثر گذاشتند، ارزش‌گذاری به فرزند و رفتار فرزندآوری است. براساس نظریه گذار جمعیتی دوم، تمایل به فرزندآوری با نقش استحکام روابط خانوادگی، در سراسر جهان بسیار کاهش داشته است. قوانین طلاق آزادخواهانه و آسان شده است. نقش زنان و مردان با مشارکت زنان در آموزش، دانشگاه و کار دگرگون شده است. تولد بچه‌هایی خارج از ازدواج، رو به فزونی است. نگرش‌ها بیش از پیش به سوی نقش‌های جنسیتی تساوی حقوق پیش می‌رود، جنسیت و فرزندآوری با استفاده از ابزار پیشگیری از بارداری، عقیم‌سازی و سقط جنین، در سطح گسترده و در دسترس، تحول یافته و سطح باروری پایین آمده است.

«در کشورهایی مانند مالی، بورکینافاسو، عراق، زامبیا و... که در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی اول هستند خانواده‌گرایی بین آنها زیاد و نگرش نسبت به فرزند و فرزندآوری بین آنها مثبت است. اما در کشورهایی مانند سوئد، فنلاند، فرانسه و... خانواده‌گرایی پایین و نگرش نسبت به فرزند و فرزندآوری منفی است. روند تغییرات فرزند و نگرش نسبت به فرزندآوری در کشورهای مانند ایران، ترکیه، مصر، مالزی و... نشان می‌دهد که نقش عوامل فرهنگی به‌ویژه آموزه‌های اسلامی بر خانواده‌گرایی و فرزندآوری مؤثر است. بنابراین، روند گذار جمعیتی دوم تک‌خطی نیست و برمبنای ساختار فرهنگی کشورها متفاوت است» (احمدی، ۱۳۹۱). تغییر ارزش‌های خانواده همچون ازدواج و فرزندآوری در جوامع غیرغربی (مانند ایران) با وجود تفاوت‌های فرهنگی، مهم و چشمگیر است. تغییراتی همچون خانواده گسترده به هسته‌ای، خانواده‌گرایی به فردگرایی، کنترل خانواده به استقلال جوانان، ازدواج‌های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج‌هایی براساس عشق و انتخاب، ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن بالا، از گستردگی ازدواج در سراسر جهان (عمومیت ازدواج) به وجود پتانسیل برای مجرد گسترده، تغییر از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل‌شده (Tapies, Josep and Ward, John, ۲۰۰۸) تعداد فرزندان بیشتر به فرزندان کمتر، افزایش جنبش‌های فمینیستی با تأکید بر برابری جنسیتی و

حقوق زنان و افزایش زوج زیستی^۱ از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است (بانت و راشاد: ۲۰۰۸). به اعتقاد برخی، نشانه‌هایی از ورود ایران به مرحله گذار جمعیتی دوم مشهود است؛ نشانه‌هایی همچون کاهش فرزندآوری و باروری طبق آمار گزارش شده در سال‌های اخیر که به سطح جانشینی و حتی کمتر از آن رسیده است (عباسی شوازی و حسینی چاوشی: ۱۳۸۷). بنابراین متأثر از گذار جمعیتی دوم و با در نظر گرفتن موقعیت جامعه ایران، برخی ارزش‌های خانواده در ایران تغییراتی کرده است از جمله تغییر چشمگیر نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده، افزایش سن ازدواج بالا رفته است (همین عامل نشانه تغییر در نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده است) و تغییر اساسی ارزش فرزند و فرزندآوری.

بر اساس دیدگاه‌های جهانی شدن و جهان محلی شدن، خانواده همراه با دیگر اجزا و عناصر در سرتاسر جوامع، متأثر از جهانی شدن تغییر کرده است. جهانی شدن ساختار و کارکرد خانواده امروزی را دگرگون کرده است. خانواده گسترده را به خانواده هسته‌ای مدرن^۲ و حتی به خانواده متکثر پست مدرن^۳ تبدیل کرده است. الگوهای خانواده را کاملاً دگرگون و متنوع و رواج این الگوهای خانوادگی متکثر را آسان کرده است (برناردز: ۱۳۹۰). از مفهوم جهان‌بودگی رابرتسون که به معنای آگاهی فزاینده از جهان در نقش یک کل، آگاهی از تنوع و تکثر خانواده امروزی بین مردم جهان دیده می‌شود. اما جهانی شدن جنبه دیگری نیز دارد، یعنی جهان محلی‌گرایی یا جهان محلی شدن. کشورها و جوامع پیرامون^۴ و تأثیرپذیر مانند ایران، در مقابل فشار و سلطه کشورها و جوامع مرکز (کانون) تسلیم بی‌چون و چرا نمی‌شوند. فرهنگ‌های محلی و بومی از خود در مقابل این فشار و همگون شدن و ذوب شدن در فرهنگ جهانی، مقاومت نشان می‌دهند. این همان چیزی است که رابرتسون آن را سلطه و فشار از مرکز و مقاومت از پیرامون می‌نامد (رابرتسون: ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵). خانواده در ایران به پیروی از الگوی جوامع پیشرفته، تغییر شکل یافته است؛ نقش‌های جنسیتی دگرگون شده است؛ اقتدار مردان در قیاس با زنان کاهش یافته است؛ تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده بسیار کم شده، سن ازدواج بالا رفته و میزان باروری و فرزندآوری به کمترین اندازه خود رسیده است.

-
1. Cohabitation
 2. Complementary nuclear family
 3. Participatory nuclear family
 4. Peripheral

یکی دیگر از عوامل مقاومت از پیرامون، دینداری است. دینداری و باورهای دینی همواره با خانواده‌های ایرانی درآمیخته بوده است. «خانواده در ایران همواره پذیرای آموزه‌های دینی بوده و با کمک آن، بسیاری از برساخت‌های ذهنی درباره جنسیت، زن، تقسیم کار خانگی و روابط اعضای خانواده را از بین برده و ابعاد جدیدی را جایگزین کرده است» (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۴۴).

پیشینه پژوهش

جورجینا بینستوک^۱ (۲۰۰۸) در پژوهش «تداوم و تغییر: خانواده در آرژانتین»، تغییر خانواده و ارزش‌های همراه با آن را در کشور آرژانتین بررسی کرده است. به عقیده بینستوک، آرژانتین در دهه‌های اخیر تغییرات و دگرگونی‌های خانوادگی مهمی همچون نقش‌های خانوادگی، باروری و شکل‌بندی‌های جمعی خانوادگی را تجربه کرده است. تغییراتی مانند افزایش سن ازدواج، نابودی ازدواج، تولدهای خارج از ازدواج (نامشروع)، جدایی و طلاق و زوج‌زیستی (هم‌خوابگی) از جمله تغییرات خانواده در آرژانتین بوده است. بسیاری از افراد به ازدواج تمایل ندارند و در صورت ازدواج، در سنین بالا تصمیم به این کار می‌گیرند. متأهل‌ها، تعداد فرزندان کمتری دارند و اغلب از ازدواج خود ناراضی هستند. بیشتر مردم زندگی مشترک را با تجربه جنسی از زوج‌زیستی انتخاب می‌کنند. آنها از بحث خود نتیجه می‌گیرند که مانند همه جوامع دیگر، تغییرات اخیر در رفتارهای خانواده در این کشور، با افزایش سکولاریزه (نظام غیردینی) شدن، فردی‌شدن، سهل‌انگاری (تلرانس) و خودمختاری و استقلال افراد ارتباط دارد (Binstock, 2008, 151).

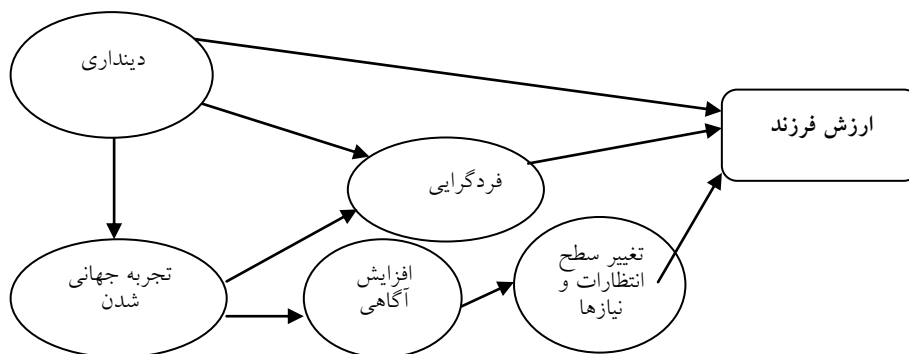
عباسی شوازی و پیتر مک‌دونالد^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی با نام «تغییر خانواده در ایران: مذهب، انقلاب و دولت» پویایی‌ها و تغییرات خانواده در ایران قرن بیستم به‌ویژه قبل و بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ را با دو پرسش اساسی پی می‌گیرند. زمینه تغییر خانواده در سال‌های اخیر ایران چه بوده است؟ و دوم اینکه چگونه باورها و الگوها بر تغییر خانواده تأثیر می‌گذارند؟ آنها عوامل ساختاری و ذهنی را در تغییرات خانواده در ایران بررسی کرده‌اند و بر نقش مذهب، انقلاب و دولت در پویایی‌ها و تداوم و تغییر خانواده و عناصری از زندگی خانوادگی تمرکز

1. Georgina Binstock
2. Abbasi-Shavazi & McDonald

داشته‌اند که در سرتاسر این سال‌ها بدون تغییر باقی مانده‌اند. به نظر آنها، برخی از جنبه‌های زندگی و ارزش‌های خانوادگی، ثابت باقی مانده‌اند، اما برخی جنبه‌های آن بسیار تغییر کرده است. مهم‌ترین تغییر فردی در دهه‌های اخیر، افزایش سطح آموزش بین نسل‌هاست. سن ازدواج نیز به‌ویژه برای دختران به‌صورت صعودی (بالا رفتن سن ازدواج) افزایش یافته و رفتار و نگرش زنان نسبت به باروری نیز بسیار تغییر کرده است. خانواده به‌سرعت در حال تغییر به سوی زوج‌های فردی است، این تغییرات از تصمیم درباره تعداد فرزندان تا نقش‌های جنسی در روابط را دربرمی‌گیرد. ازدواج با خویشاوندان هنوز رایج و باقی مانده است؛ اگرچه نگرش نسبت به آن تغییر کرده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که در برخی زمینه‌ها در خانواده ایرانی، از جمله باروری پایین و تأخیر ازدواج، تغییرات ریشه‌ای اتفاق افتاده است، در برخی زمینه‌ها تداوم وجود دارد از جمله ازدواج با خویشاوندان و آمار پایین طلاق. اما در برخی زمینه‌ها همچون ظهور و گسترش رفتارهای غربی مانند زوج‌زیستی بدون ازدواج و تولد و فرزندآوری پیش از ازدواج بین خانواده‌های ایرانی، شواهدی یافت نشده است (Abbasi - Shavazi & McDonald, 2008:177-197).

براساس پژوهش زاهدی مازندرانی و خضرنژاد با نام «نوسازی و فرآیند تحول ارزش‌ها در خانواده» نتیجه‌گیری شد که ارزش‌های سنتی در خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی مانده‌اند و ارزش‌های مدرن نیز آرام آرام در حال شکل‌گیری هستند (زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲:۶۹).

با مروری بر پژوهش‌ها درخصوص خانواده و ارزش‌های آن در کشورهای پیرامون، درمی‌یابیم که شباهت‌های بسیاری مسائلی همچون خانواده و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌های خانواده در کشورهای پیرامون وجود دارد. براساس پژوهش‌های این کشورها، برخی از ارزش‌های خانواده در این کشورها حفظ، برخی تداوم یافته و در مواردی در حال تغییرند و برخی نیز کامل تغییر کرده‌اند. در این کشورها از جمله ایران عواملی مانند انقلاب، دولت و سازمان‌های سیاسی، مدرنیزاسیون و گام‌های توسعه‌ای، عرفی‌شدن (سکولاریزاسیون)، تضعیف دینداری، استقلال افراد و فردگرایی و فرآیندهای جهانی همچون تجربه جهانی شدن و رسانه‌ها، بر تغییر ارزش‌های خانواده در این کشورها مؤثر بوده‌اند.



شکل ۱. الگوی تبیین ارزش فرزند

تفسیرهای نظری

ارزش فرزند در نسل‌های بررسی شده متفاوت است، طوری که در نسل متولدین پیش از انقلاب ارزش فرزند بیشتر از نسل متولدین پس از انقلاب است.

بین تجربه جهانی شدن و ارزش فرزند، ارتباط معکوس وجود دارد؛ در نسل‌هایی که بیشتر در معرض تجربه جهانی شدن بوده‌اند ارزش فرزند کمتر است.

بین فردگرایی و ارزش فرزند ارتباط معکوس وجود دارد، یعنی با افزایش فردگرایی، ارزش فرزند کمتر شده است.

بین دینداری و ارزش فرزند ارتباط مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی در نسل‌های دیندارتر ارزش فرزند بیشتر است.

روش پژوهش

روش این پژوهش پیمایشی است. از انواع پیمایش، مانند روش بررسی مقطعی^۱ بهره گرفته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است. جمعیت آماری، جمعیت زنان بالای ۱۸ سال شهر زنجان است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، جمعیت زنان بالای ۱۸ سال شهر زنجان براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، نزدیک به ۱۳۷۰۹۳ نفر است. نمونه هر نسل ۱۰۰ نفر و در مجموع حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۵۰۰ نفر است. روش نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای دومرحله‌ای به شیوه PPS است. ابتدا خوشه‌ها (بلوک‌ها) با

احتمالی متناسب با حجم انتخاب و سپس با توجه به نیاز حجم نمونه، تعداد مساوی از زنان هر بلوک انتخاب شده در مرحله اول، برگزیده شد.

در این پژوهش، منظور از نسل Generation نیست بلکه یک گروه هم‌دوره Cohort است. بنابراین نسل در اینجا به معنای گروهی هم‌آغاز است که دوره تاریخی مشترکی را تجربه کرده‌اند (هیوز) و هم‌دوره با یک رویداد تاریخی مانند جنگ بوده‌اند (بیکر)، هم‌دوره‌ای‌های اجتماعی که در طول زمان ترسیم شده‌اند (گیدنز)، محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی، سرنوشت و علاقه مشترک، آگاهی نسلی و هویت واحد براساس تجربه مشترک دارند (مانهایم). یک برساخت اجتماعی و نتیجه تضاد بر سر منابع اقتصادی و فرهنگی داخل یک میدان (بوردیو).

براساس مبانی دوره‌بندی نسل‌های بررسی شده و نامبرده، پنج نسل تمییز و شناسایی شده‌اند:

۱. نسل پیش از اصلاحات ارضی (متولدین پیش از سال ۱۳۴۲)
۲. نسل پیش از انقلاب (متولدین سال ۱۳۴۲-۵۷)
۳. نسل انقلاب و جنگ (متولدین سال‌های ۶۸-۱۳۵۸)
۴. نسل پس از انقلاب و جنگ و روبه‌روشدن با مدرنیته (متولدین سال‌های ۷۰-۱۳۶۷)
۵. نسل کاملاً متأثر از مدرنیته (متولدین سال‌های ۷۴-۱۳۷۱)

تعاریف و مفاهیم

ارزش فرزند

فرزند، یکی از ارزش‌های خانواده در ایران است. کولین (۱۹۹۴) ارزش‌های خانواده را چنین تعریف می‌کند: «کیفیت‌های معرف هسته خانواده و تضمین‌کننده پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده و دیگر ارزش‌های خانواده که عواملی بسیار مهم‌اند، موجب استحکام بنیان خانواده می‌شوند. این متغیرها و ارزش‌ها عبارتند از: ازدواج، محبت، تک‌همسری، وظیفه‌شناسی، پاکدامنی، پرهیزکاری، ایمان به خدا و سخت‌کوشی و فرزند». در این پژوهش، ارزش فرزند بررسی شده است. برای سنجش ارزش فرزند، از اجزا و عناصری مانند لذت از زندگی به جای فرزندآوری، نفی فرزندآوری در نقش هدف ازدواج، دردسر وجود فرزند، نفی فرزندآوری برای موقعیت اجتماعی بهتر استفاده شده است.

با اجرای تحلیل عاملی عبارتهایی که مربوط به این موضوع بودند و فضای مفهومی آن را دربرمی‌گرفتند، حفظ و عبارت‌هایی که بار عاملی کمتری داشتند و مفهوم ارزش فرزند را دلالت نمی‌کردند از پرسشنامه و تحلیل حذف شدند که نتیجه نهایی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. شاخص‌ها و مقادیر اعتبار و ارزش فرزند

ارزش	بار عاملی	شاخص‌ها/ عامل‌ها
۰/۷۰	۰/۷۹	لذت از زندگی به جای فرزندآوری
	۰/۷۵	نفی فرزندآوری در نقش هدف ازدواج
	۰/۵۷	دردسر وجود فرزند
	۰/۶۰	نفی فرزندآوری برای موقعیت اجتماعی بهتر

فردگرایی

منظور از فردگرایی، اولویت دادن افراد به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود نسبت به خواست‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی است. در فردگرایی همه قوانین و احکام جمعی براساس احکام فردی (انگیزه، قدرت، اعتقاد، توانایی‌های فردی و...) توصیف می‌شوند (لیتل: ۱۳۸۶). در این پژوهش فردگرایی با دو وجه خودمحوری و آزادی انتخاب و با شاخص‌هایی همچون تمایل به فرزند کمتر، کیفیت زندگی، انتخاب آزادانه همسر، شرکت نکردن در آیین‌های خانواده، روابط جنسی آزاد، قدرت انتخاب طلاق، سنجیده شده است.

دینداری

دینداری به معنای کوشش در انجام اعمال دینی است (واخ: ۱۳۸۷). به گونه‌ای که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد متأثر از آن می‌شود. «در تعریف مفهومی دینداری از چهار جنبه تجربی، اعتقادی، مناسکی و اخلاقی استفاده شده است.

تجربی: ناظر بر تجربه‌های زندگی معنوی در ارتباط با خداست که این احساس برای اشخاصی به وجود می‌آید که به آن دست می‌یابند.

اعتقادی: عقایدی که به واقعیت الوهیت و امور متعلق بدان مربوط است؛ مانند خدا و شیطان

و ...

اخلاقی (استنتاجی): شامل اجرای اصول و دستورهای دینی در زندگی روزمره است: عفو، درستکاری، راستگویی (شجاعی زند: ۱۳۸۴).

مناسکی: همه اعمالی که از تجربه دینی سرچشمه گرفته یا با تجربه دینی مشخص می‌شوند، در حکم بیان عملی مناسک هستند. به بیان خلاصه، مناسک عمل یا اعمال پرستش انسان دیندار است (واخ: ۱۳۸۷). سنجش دینداری پاسخگویان با الهام از الگوی کلاک و استارک انجام گرفته است.

تجربه جهانی شدن

جهانی شدن به معنای عام شدن خاص و خاص شدن عام است (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۱۷). به تعبیری جهانی شدن در هم فشردن زمان و مکان و بی‌اعتباری معنای سنتی مکان و زمان و گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۷۸۰). تجربه جهانی شدن ارتباط با دیگر مناطق جهان و آگاهی فزاینده درباره رویدادها و مسائل جهان است. در این پژوهش یکی از عوامل مؤثر بر تغییر ارزش فرزند، جهانی شدن است که سنجش آن با شاخص‌هایی همچون استفاده از رسانه‌هایی مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای انجام گرفته است.

یافته‌های پژوهش

تغییرات زمانی ارزش فرزند بین پنج نسل از زنان شهر زنجان، موضوع این پژوهش است. براساس چارچوب و الگوی نظری ارائه شده، تجربه جهانی شدن (تجربه نوگرایی و مدرنیته)، دینداری و فردگرایی مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر این تغییرات هستند. در نسل‌های نامبرده، ارزش فرزند متفاوت است؛ به گونه‌ای که ارزش فرزند در نسل متولدین پیش از انقلاب بیشتر از نسل متولدین پس از انقلاب است. بین تجربه جهانی شدن و ارزش فرزند ارتباط معکوس وجود دارد؛ بدین صورت که در نسل‌های مواجه با تجربه جهانی شدن، ارزش فرزند کمتر است. بین فردگرایی و ارزش فرزند ارتباط معکوس وجود دارد، یعنی با افزایش فردگرایی، ارزش فرزند کمتر می‌شود. بین دینداری و ارزش فرزند ارتباط مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی در نسل‌های دیندارتر ارزش فرزند بیشتر است. حال با این پیش‌فرض‌های نظری، یافته‌های تجربی پژوهش ارائه می‌شود.

جدول ۲. میانگین ارزش فرزند بین نسل‌های بررسی شده

میانگین ارزش فرزند	نسل
۴۳	نسل متولدین سال‌های ۱۳۶۷-۷۰
۳۵/۲۵	نسل متولدین سال‌های ۱۳۷۱-۷۴
۴۷	نسل متولدین سال‌های ۱۳۵۸-۶۷
۴۵/۲۵	نسل متولدین سال‌های ۱۳۴۲-۵۷
۵۲/۲۵	نسل متولدین سال‌های پیش از ۱۳۴۲

کمترین سطح ارزش فرزند، بین نسل متولدین سال‌های ۱۳۷۱-۷۴ است و بیشترین سطح ارزش فرزند مربوط به نسل متولدین سال‌های پیش از سال ۱۳۴۲ است که گروه سنی بالای ۵۰ سال هستند. به نظر می‌رسد در نسل‌های پیش از انقلاب، نگرش به فرزند و فرزندآوری بسیار قوی و در نسل انقلاب و جنگ به اندازه متوسط و در نسل‌های پس از انقلاب و جنگ ضعیف است.

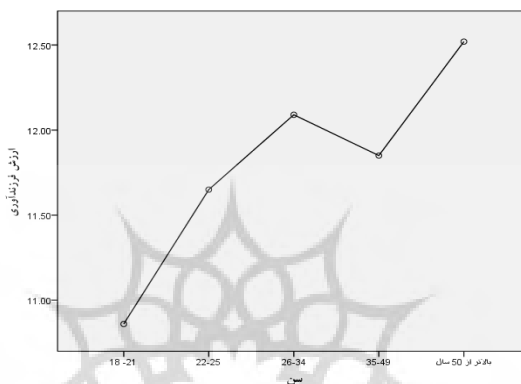
جدول ۳. تفکیک گروه‌های همگن از لحاظ تفاوت میانگین متغیر ارزش فرزند بین نسل‌های

بررسی شده

فرزند			
زیرمجموعه آلفا = ۰/۰۵			
نسل‌های بررسی شده	تعداد نمونه	گروه همگن	گروه همگن
		اول	دوم
نسل متولدین ۱۳۷۱-۷۴	۱۰۰	۱۰/۸۶	
نسل متولدین ۱۳۶۷-۷۰	۱۰۰	۱۱/۶۵	۱۱/۶۵
نسل متولدین ۱۳۴۲-۵۷	۱۰۰	۱۱/۸۵	۱۱/۸۵
نسل متولدین ۱۳۵۸-۶۷	۱۰۰	۱۲/۰۹	۱۲/۰۹
نسل متولدین پیش از ۱۳۴۲	۱۰۰		۱۲/۵۲

جدول ۴. تحلیل واریانس و معناداری تفاوت میانگین متغیر ارزش فرزند بین نسل‌های بررسی شده

معناداری	F	ارزش فرزند			
		میانگین مربع‌ها	مقدار آزادی	جمع مربع‌ها	
۰/۰۰۸	۳/۴۵۷	۳۷/۷۷۳	۴	۱۵۱/۰۹۲	بین گروه‌ها
		۱۰/۹۲۷	۴۹۵	۵۴۰۸/۶۹۰	درون گروه‌ها
			۴۹۹	۵۵۵۹/۷۸۲	جمع



شکل ۲. تفاوت میانگین آمار ارزش فرزند بین نسل‌های بررسی شده

همان‌گونه که توزیع درصدی پاسخ به عبارت‌های ارزش فرزندآوری (نگرش به فرزندآوری) بین نسل‌های بررسی شده نشان داد، میانگین میزان موافقت با ارزش فرزندآوری بین نسل‌ها، یکسان و برابر نبوده است. بیان کیفیت تفاوت بین میانگین ارزش فرزندآوری بین نسل‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است. در جدول ۵، میانگین هر گروه، به ترتیب از کمترین به بیشترین و به صورت صعودی نمایش داده شده است. با توجه به مقایسه میانگین‌ها و ترتیب آنها، متولدین نسل ۷۰-۱۳۶۷، کمترین امتیاز ارزش فرزند (۱۰/۸۶) و متولدین نسل پیش از سال ۱۳۴۲ بیشترین امتیاز ارزش فرزند (۱۲/۵۲) را دارند. براساس جدول ۵ به لحاظ همگنی واریانس‌های گروه‌های بررسی شده از نظر میانگین ارزش فرزندآوری، دو گروه به دست آمد:

۱. گروه همگن اول شامل زنان متولدین ۱۳۷۱-۷۴، متولدین ۱۳۶۷-۷۰، متولدین ۱۳۴۲-۵۷ و متولدین ۱۳۵۸-۶۷.
۲. گروه همگن دوم شامل زنان متولدین ۱۳۶۷-۷۰، متولدین ۱۳۴۲-۵۷، متولدین ۶۷-۱۳۵۸ و متولدین پیش از سال ۱۳۴۲ است.

پراکندگی نسل‌های بررسی‌شده در دو گروه همگن بدان معناست که نسل‌های بررسی‌شده گروه اول، از نظر ارزش فرزند با همدیگر تفاوت چندانی ندارند. اما از سوی دیگر، این نسل‌ها با گروه همگن دوم تفاوت دارند. نسل‌های بررسی‌شده در گروه همگن دوم نیز با همدیگر از نظر میانگین ارزش فرزند تفاوتی نداشت، اما با گروه همگن اول تفاوت دارند.

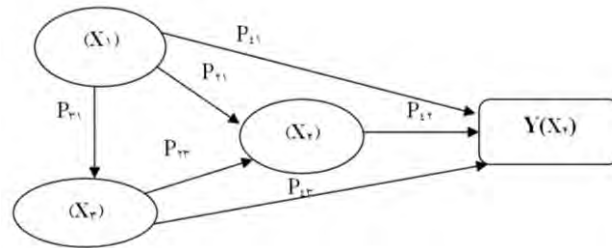
نتایج جدول ۴ حاصل از آزمون فیشر (تحلیل واریانس) برای سنجش معناداری تفاوت میانگین ارزش فرزند نسل‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد که با توجه به مقدار F به‌دست‌آمده ($۳/۴۵۷$)، مقدار تفاوت به‌دست‌آمده ($\text{sig}=۰/۰۰۸$) در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارتی تفاوت میانگین ارزش فرزند بین گروه‌های نسلی بررسی‌شده به لحاظ آماری معنادار است.

براساس نتایج پژوهش، تجربه مدرنیته تأثیر منفی و معکوس و دینداری تأثیر مثبت و مستقیم بر ارزش ازدواج دارند و بین فردگرایی و ارزش ازدواج ارتباطی دیده نشد. بیان کیفیت ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته در جدول ۵ دیده می‌شود.

جدول ۵. ضریب همبستگی و سطح معناداری محاسبه‌شده بین متغیرهای مستقل و ارزش فرزند

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	همبستگی	سطح معناداری
۱	تجربه جهانی شدن	ارزش فرزند	-۰/۱۰	۰/۲۶۸
۲	دینداری	ارزش فرزند	۰/۱۶۵	۰/۰۰۰
۳	فردگرایی	ارزش فرزند	-۰/۳۰۶	۰/۰۰۰

براساس نتایج جدول ۵ و ضریب همبستگی محاسبه‌شده $r=-۰/۱۰$ و سطح معناداری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=۰/۲۶۸$) نتیجه می‌گیریم که بین تجربه جهانی شدن و ارزش فرزند ارتباطی وجود ندارد. بر مبنای ضریب همبستگی محاسبه‌شده $r=۰/۱۶۵$ و سطح معناداری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=۰/۰۰۰$) نتیجه می‌گیریم که با اطمینان ۹۹ درصد و درصد خطای کمتر از ۱ درصد، دینداری و ارزش فرزند با هم ارتباط مستقیم (مثبت) دارند. به عبارتی با تقویت دینداری، ارزش فرزند نیز بیشتر می‌شود. افراد دیندارتر، برای فرزند ارزش بیشتری قائلند. بین فردگرایی و ارزش فرزند، با توجه به ضریب همبستگی ($۰/۳۰۶$) و سطح معناداری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=۰/۰۰۰$) ارتباط معنادار منفی و معکوس وجود دارد. در نتیجه با افزایش فردگرایی، ارزش فرزند کم شده است.



شکل ۳. الگوی تحلیلی تبیین ارزش فرزند

$$\begin{aligned} Z_1 &= e_1 \\ Z_3 &= P_{31}Z_1 + e_2 \\ Z_2 &= P_{21}Z_1 + P_{23}Z_2 + e_3 \\ Z_4 &= P_{41}Z_1 + P_{42}Z_2 + P_{43}Z_3 + e_4 \end{aligned}$$

جدول ۶. تحلیل مسیر و ضرایب مسیر عوامل مؤثر بر ارزش فرزند در نسل‌های بررسی شده

F*	R ^۲	ضریب مسیر						نسل
		P _{۳۱}	P _{۲۳}	P _{۲۱}	P _{۴۲}	P _{۴۱}	P _{۴۳}	
۱/۲۴	۰/۰۳۷	۰/۱۰	-۰/۰۳	-۰/۱۸	-۰/۱۸	-۰/۰۷	۰/۰۴	نسل متولدین سال‌های پیش از ۱۳۴۲
		۱/۰۱	-۰/۳۳	-۱/۸۴	۱/۸۴	-۰/۷۰۰	۰/۴۲۴	مقدار *
		۰/۳۱۵	۰/۷۳۷	۰/۶۸	۰/۶۸	۰/۴۸۶	۰/۶۷۳	معناداری
۶/۳۱	۰/۱۶	-۰/۱۰	-۰/۰۱	-۰/۱۶	۰/۳۸	۰/۰۷	۰/۰۴	نسل متولدین سال‌های ۵۷- ۱۳۴۲
		-۱/۰۵	-۰/۱۸	-۱/۶۶	-۴/۰۵	۰/۷۸۲	۰/۵۰۸	مقدار *
		۰/۲۹۴	۰/۸۵۱	۰/۰۹۹	۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۶۱۳	معناداری
۲/۵۶	۰/۰۷	-۰/۲۱	۰/۱۵	-۰/۳۴	-۰/۱۶	۰/۰۲	-۰/۱۷	نسل متولدین سال‌های ۶۷- ۱۳۵۸
		-۲/۱۵	۱/۴۸	-۳/۶۶	-۱/۶	۰/۲۵۷	-۱/۷۵	مقدار *
		۰/۰۳۴	۰/۱۴۰	۰/۰۰۰	۰/۱۱۳	۰/۷۹۸	۰/۰۸۳	معناداری
۶/۸۸	۰/۱۷	-۰/۰۴	۰/۰۹	-۰/۳۲	-۰/۳۳	۰/۱۳	-۰/۱۰	نسل متولدین سال‌های ۷۰- ۱۳۶۷
		-۰/۴۳۱	۰/۹۳۷	-۳/۳۸	-۳/۴۱	۱/۳۶	-۱/۰۸	مقدار *
		۰/۶۶۷	۰/۳۳۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۱۷۶	۰/۲۸۲	معناداری
۴/۲۲	۰/۱۱	-۰/۱۹	-۰/۱۰	-۰/۳۰	-۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۱۴	نسل متولدین سال‌های ۷۴- ۱۳۷۱
		-۱/۹۰	-۱/۰۴	۳/۱۱	-۲/۰۲	۱/۷۵	۱/۴۹	مقدار *
		۰/۰۵۹	۰/۳۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۴۶	۰/۰۸۳	۰/۱۳۸	معناداری

ضریب مسیر P_{ϵ_2} که نشان‌دهنده تأثیر فردگرایی بر ارزش فرزند است، با توجه به ضریب P_{ϵ_2} به دست آمده برای نسل متولدین ۶۷-۱۳۵۸ به مقدار ۰/۱۶- و بی‌معناست؛ در حالی که مقدار ضریب P_{ϵ_2} برای نسل متولدین پیش از سال ۱۳۴۲ به مقدار ۰/۱۸-، برای نسل متولدین ۵۸-۱۳۴۲ به مقدار ۰/۳۸-، برای نسل متولدین ۷۰-۱۳۶۷ به مقدار ۰/۳۳- و برای نسل متولدین ۷۴-۱۳۷۱ به مقدار ۰/۲۰- معنادار است؛ تأثیر آن نیز منفی و معکوس است. یعنی با افزایش فردگرایی، ارزش فرزند کاهش یافته است. بر مبنای مقایسه مقدار ضریب تأثیر فردگرایی بر ارزش فرزند در نسل‌های بررسی شده، روند فردگرایی که از نسل پیش از انقلاب شروع شده است در نسل‌های پس از انقلاب با شتاب بیشتر بر ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری تأثیر گذاشته است.

ضریب مسیر P_{ϵ_1} که نشان‌دهنده تأثیر دینداری بر ارزش فرزند است، در هیچ‌یک از نسل‌ها ارتباط معناداری بین دینداری و ارزش فرزند مشاهده نمی‌شود. ضریب مسیر P_{ϵ_3} که نشان‌دهنده تأثیر تجربه جهانی شدن بر ارزش فرزند است، برای نسل متولدین سال ۶۷-۱۳۵۸ ضریب P_{ϵ_3} به مقدار ۰/۱۷- معنادار است. سمت و سوی تأثیر نیز منفی و معکوس است. بدین معنا که با افزایش تجربه جهانی شدن، ارزش فرزند در این نسل کاهش می‌یابد. در حالی که برای نسل متولدین پیش از ۱۳۴۲ و سال‌های ۵۷-۱۳۴۲ مقدار P_{ϵ_3} برابر با ۰/۰۴ و برای نسل متولدین ۷۰-۱۳۶۷ و برای نسل متولدین ۷۴-۱۳۷۱ ضریب P_{ϵ_3} به ترتیب با مقدار ۰/۱۰- و ۰/۱۴ و بی‌معناست.

بحث و نتیجه‌گیری

نسل، به معنای برخورداری از تجربه‌های تاریخی و زندگی مشترک است. حوادث و وقایعی مانند انقلاب، جنگ، انقلاب اطلاعاتی، توسعه سیاسی، اصلاحات ارضی و... تجربه‌های نسل‌ها به‌شمار می‌روند؛ ذهن و نگرش اعضای نسل با تأثیرپذیری از چنین اتفاقات و رویدادهایی، ابعاد زندگی خود را تعریف و بازتعریف می‌کنند و سامان می‌دهند. بر این اساس در ایران، رویدادها و حوادث تاریخی متعدد، باعث شکل‌گیری نسل‌های گوناگون تاریخی شده است. با توجه به دوره‌های تاریخی در ایران، رویدادها و حوادث، تاریخ ایران را به چند دوره متفاوت تقسیم کرده است. در سال ۱۳۴۲ اتفاقاتی همچون اجرای برنامه اصلاحات ارضی، به تولید و بازتولید نسلی انجامید که در آن زمین، کار و تولید - که همگی تجلی ارزش‌های خانواده گسترده بودند - به عناصر ارزشمندی تبدیل شوند. در چنین نسلی «خانواده گسترده» اهمیت داشت و ازدواج بر

پایه برخی سنت‌ها، تعهدات، الزامات و به‌صورت قانونی و رسمی انجام می‌شده است. عامل ازدواج‌های آن دوره ضرورت اقتصادی بود نه عاطفی. شرایط پیش از انقلاب اسلامی منتج به نسلی شد که متأثر از فضای انقلاب همسو با ارزش‌های خانواده و ازدواج است. انقلاب اسلامی سال ۵۷ در ایران نقطه عطف دیگری در تاریخ ایران است که با وقوع آن، نسلی با خود تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی در پی داشته است. به‌ویژه در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب، بر این موضوع بسیار تأکید می‌شد و رفتارها و نگرش‌ها متأثر از باورهای دینی و مذهبی بوده است. پس از دوره جنگ، شاهد شکل‌گیری نسلی هستیم که مشخصه اصلی آن تجربه جهانی شدن است. این نسل متشکل از متولدین سال‌های پس از ۱۳۶۷، در معرض جهانی شدن مفرط، رسانه‌ها و ارتباطات جهانی قرار گرفته‌اند. در این دوره با تقویت جهانی شدن، کاربرد اینترنت در این نسل و شمار طرفداران شبکه‌های ماهواره‌ای هر روز افزایش می‌یابد. این رویدادها و تجربه‌های تاریخی مشترک، برای این نسل اندیشیدن متفاوت از نسل‌های دیگر به موضوع‌هایی مانند خانواده و فرزند را فراهم می‌کند.

ایران در این مدت با دگرگونی‌های بسیاری مواجه شد که ناشی از نوگرایی (مدرنیزاسیون)، کوشش‌های معطوف به مدرنیته و نوگرایی و پیامدهای آنها در جامعه و نهادهای اجتماعی است؛ همچنین بیانگر حرکت جامعه ایرانی به سوی تجدید (نوگرایی) است و برخلاف برخی افکار، این تغییرات فقط در ظواهر نیست بلکه در مواردی جنبه ساختاری داشته و حتی برخی ساختارهای مهم را دگرگون کرده است؛ مانند خانواده و ارزش‌های آن، به‌خصوص در نیم قرن اخیر آرام و کند اما مستمر و قاطع تغییر کرده‌اند (زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲: ۹۲).

در سراسر جهان، خانواده همراه با دیگر دگرگونی‌ها و تغییرات گسترده اجتماعی و تکنولوژیکی، تغییر کرده است. شدت و دامنه این تغییر در برخی جوامع به اندازه‌ای بوده است که برخی از صاحب‌نظران مسائل خانواده، از تعبیر «تغییر خانواده» صرف‌نظر کرده و «زوال خانواده» را جانشین کرده‌اند (پاپنو، ۲۰۰۵). شدت تغییر خانواده در برخی جوامع سریع و در برخی دیگر به آرامی شروع شد، اما با سرعت بالا در حال پیشرفت است. فرزند یکی از عناصر و ارزش‌های خانواده است که بیش از سایر ارزش‌های خانواده با دگرگونی مواجه بوده است. تحلیل و تبیین تغییرات به‌وجودآمده در رفتار فرزندآوری و ارزش فرزند بین زنان شهر زنجان تا اندازه‌ای با نظریه گذار جمعیتی دوم امکان‌پذیر است؛ هرچند مناسبت نظریه گذار جمعیتی دوم با وضعیت جامعه ایران با الزاماتی همراه است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که برخی

الگوها و روابط خانوادگی در ایران از جمله فرزندآوری در حال تغییر است؛ و این نکته‌ای است که در پژوهش‌های پیشین نیز تأیید شده است (زاهدی و خضرنژاد؛ ۱۳۹۲ و عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۸). البته برمبنای پژوهش‌های خارجی این تغییر در ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری زنان، امری جهانی است و در اکثر کشورها این ارزش خانوادگی با شدت و ضعف تغییر کرده است (لسته‌هاق و ون دوکا؛ ۲۰۰۸ و ترز لوکو و مریام مووقا سو؛ ۲۰۰۸ و جورجینا بینستوک ۲۰۰۸).

پس از انقلاب اسلامی ایران، تغییر و دگرگونی در ساختارها و نهادهای اجتماعی همواره تابع دو عامل درونی و بیرونی بوده است. از یک سو عناصر و ارزش‌های ناشی از ارتباط با غرب به مثابه نیروی مؤثر بیرونی بر فرهنگ و عناصر فرهنگی و نظام‌های ارزشی تأثیر گذاشت و از سویی با تکیه بر نیروهای درونی و عناصر بومی و فرهنگی، جامعه ایران سعی بر مقاومت در مقابل فشارهای بیرونی از جمله غربی‌شدن داشته است. بنابراین تغییر ارزش فرزند در ایران پس از انقلاب اسلامی را می‌بایست براساس دیالکتیک (تضاد) عوامل درونی و بیرونی فهم و تفسیر کرد. استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی دیگر توانست افراد را با تجربه‌های زندگی در دیگر نقاط جهان آشنا و آگاه کند. فردگرایی فزاینده، خانواده‌ها را با تحول بزرگی روبه‌رو کرد؛ همچنین اشتغال زنان همراه با تحصیلات آنان یکی از عوامل مؤثر بر تغییر ارزش فرزند بوده است.

با دگرگونی ساختار جامعه ایران به لحاظ اقتصادی و فرهنگی و تغییر نظام هنجاری، حضور جامعه و نیروهای اجتماعی و سنتی در زندگی افراد محدود و نظارت جامعه بر رفتار افراد کمتر شده است. این تحولات باعث گسترش آزادی‌های فردی، افزایش سهل‌انگاری در خانواده‌ها و جامعه، انعطاف‌پذیری در مسیر زندگی و برهم خوردن تقسیم کار جنسیتی شد. متأثر از این شرایط، زنان ایران به‌ویژه زنان شهر زنجان، با گذر از ارزش‌های جامعه‌محور معطوف به نیازهای اولیه، به ارزش‌های فردمحور معطوف به نیازهای ثانویه مانند تحقق خویشتن، آموزش، مدیریت بدن و دوری از تحمل مشکلات و سختی‌های فرزندآوری، تحول جدیدی را در خانواده و روابط خانوادگی و ارزش‌های خانواده همچون فرزند و فرزندآوری تجربه کرده و می‌کنند. دگرگونی‌های ناشی از گذار جمعیتی دوم خانواده‌ها در ایران، تا حدودی بر روش زندگی زنان مؤثر بوده است. فرزند در ارزش‌گذاری بر عناصر زندگی برخی زنان، در مقایسه با اشتغال و آموزش ارزش و برتری کمتری دارد. نتیجه اینکه در نسل زنان پیش از انقلاب اسلامی، امکان

تجربه مدرنیته و مدرنیزاسیون فراهم نبود، زیرا ایران هنوز وارد فرآیند مدرنیته و نوگرایی نشده بود، بنابراین ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری در این دوره، متأثر از نوگرایی و مدرنیته نیست و بیشتر متأثر از دینداری است. اما در نسل‌های پس از انقلاب اسلامی، تقویت جهانی‌شدن و گسترش نوگرایی و ارزش‌های مدرنیته در ایران بر ارزش فرزند در این نسل از زنان تأثیر گذاشت.

منابع

- احمدی، وکیل (۱۳۹۱)، «بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی خانواده»، *مجله مطالعات روان‌شناختی اجتماعی زنان*، شماره ۳۰: ۸۱-۱۰۲
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دوم.
- ایمان، محمدتقی و سروش، مریم (۱۳۹۲)، «مقایسه بین‌نسلی سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دسترس زنان شیراز»، *نشریه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۴: ۵۰۹-۵۳۰.
- اینگلهارت رونالد و پل. آر. آبرامسون (۱۳۷۸)، «امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی»، *ترجمه شهناز شفیع‌خانی، نامه پژوهش*، شماره ۱۴: ۶۵-۷۸.
- برناردز، جان (۱۳۹۰)، *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- بک گرنسهایم، الیزابت (۲۰۰۲)، *خانواده در جهان امروز*، ترجمه افسر افشار نادری و بیتا مدنی، تهران: نشر نی.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۳)، «جهان- محلی‌شدن؛ زمان- فضا و همگونی- ناهمگونی»، *ترجمه مراد فرهادپور، فصلنامه ارغنون*، شماره ۲۴: ۴۳-۵۷.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵)، *جهانی‌شدن: بررسی تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- زاهدی، محمدجواد و خضرنژاد، عمر (۱۳۹۲)، «نوسازی و فرآیند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده: بررسی نمونه‌ای دگرگونی ارزش‌های خانوادگی در شهر بوکان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱: ۶۸-۹۷.
- سرایی، حسن (۱۳۸۵)، «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۳۷-۶۰.

- – (۱۳۸۷)، «گذار جمعیتی دوم؛ با نیم‌نگاهی به ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، شماره ۶: ۱۱۸-۱۴۰.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱: ۳۴-۶۶.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۱)، «تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۸: ۷-۴۸.
- عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاوشی، طه نوراللهی و فریبا سادات بنی‌هاشمی (۱۳۸۷)، «سطح و روند باروری در ایران طی سه دهه اخیر با استفاده از روش فرزندان خود» مقاله ارائه شده در همایش مرکز آمار ایران با عنوان: تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵، ۴-۵ دی ماه ۱۳۸۷، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، چشم‌اندازهای جهانی؛ چشم‌انداز خانواده، ترجمه محمدرضا جلایی‌پور، تهران: انتشارات طرح نو.
- لیتل، دانیل (۱۳۸۶)، تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم الاجتماع، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- واخ، یواخیم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: انتشارات سمت.
- Abbasi-Shavazi, M.J & McDonald, R (2008), Family change in Iran: Religion, revolution, and the state international **family change: ideational perspectives** / [edited by] Rukmalie Jayakody, Arland Thornton, and William Axinn, Taylor & Francis Group, 270 Madison Avenue, New York, NY 10016.
- Bourdieu, P. (1986). **The forms of capital**, in: J.G. Richardson (ed.): Handbook for Theory and Research for the Sociology of Education, pp. 241 ° 258.
- Jayakody, Rukmalie, Thornton. Arland, Axinn. William (2008), **International Family Change: Ideational Perspectives**. New York, NY 10016: Lawrence Erlbaum Associates.
- Lesthaeghe, Ron (2006), **Second Demographic Transition**, U.S. March, population and development review, 2006, P62.
- Papenoe, David (2005), **War over the Family**, Transaction Publishers.
- Tapies, Josep and Ward, John(2008), **Family Values and Value Creation**, First published in 2008 by PALGRAVE MACMILLAN.
- Yang, Yang(2006), Bayesian Inference for Hierarchical Age- Period- Cohort Models of Repeated Cross-Section Survey Data , Sociological Methodology,36:39-74.